

فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۵
صفحه ۴۷ تا ۶۶

بررسی مأموریت‌ها و کارکردهای نظام آموزش عالی در راستای اقدام و عمل اقتصاد مقاومتی بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری

محمد ذاکری / استادیار، گروه مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران
m.zakeri@riau.ac.ir

اسماعیل اسدی / دکتری مدیریت دولتی، عضو هیات علمی دانشگاه هوایی شهید ستاری
esmaeil.asadi@gmail.com

چکیده

این پژوهش در پی شناسایی و تبیین اولویت‌ها، محورها و کارکردهای آموزشی، پژوهشی و سیاست‌گذاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در جهت عملیاتی‌سازی و تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. بدین منظور پس از بررسی پیشینه نظری و پژوهشی، مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی با استفاده از روش تحقیق کیفی بر محتوای سخنان مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۴ مورد مذاقه و تحلیل قرار گرفته است و محورهای اساسی فعالیت‌های مربوط به اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شناسایی شده و سپس پرسشنامه تدوین شده به روش پیمایش در اختیار ۵۰ نفر از خبرگان دانشگاه‌ها و حوزه آموزش عالی قرار گرفته است. نتایج این بررسی نشان داد که همه عوامل ۱۶ گانه مستخرج از بیانات مقام معظم رهبری از دید پاسخ دهندگان در فعالیت دانشگاه‌ها حائز اهمیت تلقی شده و سه عامل مفهوم‌سازی و ترویج گفت‌وگو، تناسب علم با نیازهای کشور و تجاری‌سازی علم از بالاترین اولویت در برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها برخوردار است و بر این اساس پیشنهادهایی برای ایفای نقش اثربخش دانشگاه‌ها در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ارائه شده است.

کلید واژه: اقتصاد مقاومتی، دانشگاه، آموزش عالی، مقام معظم رهبری.

تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۶/۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۵/۳

مقدمه

علم اقتصاد در طول عمر ۲۰۰ ساله خود، شاهد تحولات، نظریه پردازی‌ها و مباحث جنجالی بسیاری بوده است. تضارب آرا در حوزه این علم، مکاتب، شاخه‌ها و تخصص‌های فراوانی را به وجود آورده است. علاوه بر این، تحولات و پیشرفت‌های بشری در قرن اخیر، این علم را متحول کرده و بیش از پیش بر شاخه‌ها و فروع این علم افزوده است (سیفلو، ۱۳۹۳: ۱۵۲).

در همین راستا در چندسال اخیر، اصطلاح جدید اقتصاد مقاومتی به ادبیات اقتصادی کشور اضافه شده است. این اصطلاح اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور ۱۳۸۹ مطرح گردید که ناشی از دغدغه‌های معظم له بوده و اهمیت تحقیق در این حوزه را نیز روشن می‌سازد. ایشان با تکیه بر دو عامل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» اقتصاد مقاومتی را مقارن با مفهوم کارآفرینی معرفی نمودند. سپس در مرداد سال ۱۳۹۱ مؤلفه‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را بر اساس رونق تولید و اشتغال، رشد اقتصادی و رفاه، مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر، استفاده از تولیدات داخلی، مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، فشار اقتصادی دشمن بر کشور و تأکید بر اقتصاد دانش بنیان تبیین کردند. در ماه بعد نیز اقتصاد مقاومتی را داشتن اقتصادی رو به رشد با آسیب پذیری کمتر در مقابل ترفندهای دشمن معرفی نموده و مواردی همچون حمایت از بخش خصوصی، حمایت از تولید ملی و بخش درونزای اقتصاد و رسیدگی به اقتصاد دانش بنیان، فعال کردن واحدهای کوچک و متوسط اقتصادی و استفاده از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی را به عنوان ارکان اقتصاد مقاومتی معرفی کردند. در ادامه روند مزبور نیز در اواخر بهمن سال ۱۳۹۲ به صورت جامع و دقیق، سیاست‌های کلان بیست و چهارگانه اقتصاد مقاومتی را ابلاغ نمودند. دولت نیز ستاد ویژه‌ای را جهت پیگیری تحقق این سیاست‌ها به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل داده است.

در همین راستا، بررسی نقش و کارکرد دانشگاه در توسعه اقتصادی جوامع مختلف، نشان دهنده بروز تحولات شگرفی است که جهان را با فاز جدیدی از توسعه تحت عنوان اقتصاد مبتنی بر دانش روبه رو ساخت (فیض و سوری، ۱۳۹۳: ۲۱). اکنون از دانشگاه‌ها انتظار می‌رود نه تنها حامی رشد اقتصادی باشند بلکه خود مستقیماً در رشد اقتصادی از طریق تولید دانش جدید، ایجاد سرمایه انسانی، صدور مجوزهای نوآوری و ایجاد شرکت‌های جدید دخیل باشند (اترک‌ویتز و دیگران، ۲۰۰۰: ۳۱۸).

عنصر نوآوری و نقش دانشگاه‌ها به گونه‌ای اهمیت یافته که نمایه رقابت پذیری جهانی کشورها: ۲۰۱۳-۲۰۱۴» دسته بندی کشورهای «غنی از نظر نوآوری» و «فقیر از نظر نوآوری» را جایگزین تمایز سنتی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نموده است (شواب، ۲۰۱۲).

در دنیای امروز تحولی در وظایف دانشگاه‌ها، بنگاه‌ها و سازمان‌های پیرامونی (سیاست‌گذار، قانونی و اجرایی) تجربه می‌شود. در این فرآیند، ساختار، آرایش و شبکه‌های بین این سه حوزه، ورودی‌ها و موارد لازم را برای فرآیندهای نوآوری و دانش بنیان فراهم می‌سازد. در این ترکیب و ساختار جدید، دانشگاه علاوه بر نقش معمول و سنتی خود به عنوان تأمین کننده نیروی انسانی آموزش دیده و مولد دانش بنیادی، به صورت منبعی برای تشکیل بنگاه‌های اقتصادی، توسعه فناوری و توسعه ناحیه‌ای، ملی، منطقه‌ای و بین المللی ایفای نقش می‌نماید (باقری نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱). لذا دانشگاه‌ها به عنوان شرکای کلیدی در مشارکت بخش خصوصی و دولتی درگیر شده اند و توسعه ظرفیت نوآوری ناحیه‌ای، بر اساس وظایف مختلفی است که دانشگاه‌ها انجام می‌دهند (اویارا، ۲۰۱۰: ۱۲۳۲).

بر اساس موارد فوق و اهمیت دانشگاه‌ها در توسعه اقتصادی و فناوری و اهمیت آنها در تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی این پژوهش در پی شناسایی و تبیین اولویت‌ها، محورها و کارکردهای آموزشی (دانش و مهارت)، پژوهشی و سیاست گذاری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در جهت عملیاتی سازی و تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری است. در این پژوهش تلاش شده است تا رسالت دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی در قبال تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر اساس متن سیاست‌های کلی و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد. در بند ۲۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به طور مستقیم بر نقش دانشگاه و دانشگاهیان در قالب «تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی» تأکید شده است.

در بندهای یکم تا سوم و بیستم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز به تکالیف دیگری همچون تأمین و فعال سازی سرمایه‌های انسانی و علمی کشور، پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور، افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان، توانمندسازی نیروی کار و تقویت فرهنگ جهادی اشاره شده که به

طور غیرمستقیم بر نقش و رسالت جامعه علمی و دانشگاهی در تحقق آن اشاره دارد. در بند پنجم سیاست‌های کلی علم و فناوری نیز بر «ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش‌ها با تأکید بر افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی، ازدیاد توان ملی و ارتقاء کارآمدی و نیز حمایت مادی و معنوی از فرآیند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی در تولید ناخالص ملی با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد» و در بند ششم به «توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری‌های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش بنیان و متکی بر فناوری‌های بومی به ویژه در حوزه‌های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور» تأکید شده است.

مرور پیشینه تحقیق

الف) اقتصاد مقاومتی

در تعریف و مفهوم سازی اقتصاد مقاومتی دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده که بیشتر آنها مبتنی بر تبیین مقام معظم رهبری از این مفهوم است که جهت تبیین بهتر مفهوم و بیان مسئله این پژوهش به یک مورد اشاره می‌گردد. مقاومت، عمل یا عکس العمل مناسب مقابله در شرایط بروز ناملایمات، حوادث، بحران یا تحمل سختی‌ها و استقامت در مسیر رسیدن به اهداف است. اقتصاد مقاومتی نیز اقتصادی است که در شرایط فوق، به صورت پویا و پایدار تخصیص بهینه منابع رو صورت دهد (اسدی، ۱۳۹۳: ۳۲).

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه اقتصاد مقاومتی نیز عمدتاً در سه حوزه اصلی صورت گرفته است. برخی از پژوهشگران با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی و استراتژی‌های تفسیری به مدلسازی و مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی مبتنی بر دیدگاه‌ها و بیانات مقام معظم رهبری پرداخته‌اند (سامنی و مدرس خیابانی، ۱۳۹۴؛ سیف، ۱۳۹۱؛ تراب زاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۲؛ میرمعزی، ۱۳۹۱). گروه دوم پژوهش‌هایی است که به بررسی تطبیقی ماهیت اقتصاد مقاومتی و سایر الگوها و نظریه‌های اقتصادی پرداخته و تلاش نموده‌اند جایگاه اقتصاد مقاومتی را در گونه شناسی‌های موجود نظریه‌های اقتصاد تعیین نموده و نقاط شباهت و افتراق آن را با دیگر دیدگاه‌ها روشن نمایند (سیفلو، ۱۳۹۳؛ اسدی، ۱۳۹۳). گروه سوم پژوهشگران نیز به بررسی شیوه‌های عملیاتی سازی اقتصاد مقاومتی در کشور پرداخته و برای نیل به این منظور به مدلسازی‌های ترکیبی برای تعیین کارکرد برخی دستگاه‌ها، یا حوزه‌های دیگر جامعه در قبال اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند

(یاری فردی و همکاران، ۱۳۹۲؛ عباس آباد عربی و دیگران، ۱۳۹۳).

ب) کارکردها و مأموریت نوین دانشگاه و آموزش عالی

دانشگاه به عنوان تولیدکننده دو خروجی در نظر گرفته می شود: سرمایه انسانی و دانش (نرم افزار). خلق سرمایه انسانی محصول مأموریت آموزش و تولید نرم افزار دستاورد تلاش های دانشگاه برای اجرای مأموریت دوم یا همان پژوهش است. اگرچه این دو مأموریت دانشگاه در اقتصاد دانش بنیان ثابت باقی مانده است، اما دگرگون شده و ماهیتی کارآفرینانه یافته است. حضور مستقیم در توسعه اقتصادی نیز به عنوان مأموریت سوم و جدید دانشگاه شناخته می شود (آریو واسکوئز و دیگران، ۲۰۱۳).

در مجموع، تشویق انواع فعالیت های تجاری سازی دستاوردهای دانشگاهی، گسترش طیف وسیع تری از فعالیت های میان رشته ای و خلق مراکز ارتباط دهنده، پذیرش مسئولیت بیشتر برای توانمندسازی دانشجویان و کارکنان، استخدام کارکنان و رهبران کارآفرین به عنوان عاملان تغییر، ایجاد نظام پاداش فراتر از معیارهای آموزش، پژوهش و انتشار فصلی همه مؤلفه های مأموریت سوم دانشگاه هستند (کورتی و ریویزیو، ۲۰۰۸: ۱۲۵).

البته فعالیت های کارآفرینی دانشگاهیان پدیده جدیدی نیست. در اروپا، چنین روابطی به اواسط تا اواخر دهه ۱۸۰۰ و در ایالات متحده به انقلاب صنعتی برمی گردد (هال، ۲۰۰۱: ۹۲). اترکویتز نشان داد که بر اساس پویایی درونی و الزامات محیطی نظام دانشگاهی با دو انقلاب مواجه گشت: انقلاب اول در اواخر قران ۱۹ در کشور آلمان اتفاق افتاد که طی آن دانشگاه ها علاوه بر فعالیت های آموزشی در زمینه تحقیقات نیز فعال شدند و به تولید دانش اقدام نمودند. انقلاب دوم در اواخر قران بیستم بر اساس ظهور نوآوری های مبتنی بر علم به وقوع پیوست که طی آن دانشگاه عهده دار مأموریت سوم یعنی توسعه اقتصادی شد (امین مظفری و شمسی، ۱۳۹۰: ۱۹). در تبیین محیط جدید فعالیت دانشگاه ها و نسل سوم مأموریت آن توجه به دو مفهوم و دو عنصر ضروری است: دانشگاه کارآفرین و پارک های علم و فناوری.

مطابق نظر اترکویتز، دانشگاه کارآفرین محصول کنش درونی پنج هنجار است: هنجار سرمایه داری (دانش با هدف استفاده و به کارگیری خلق شده و انتقال می یابد)؛ هنجار وابستگی متقابل (دانشگاه کارآفرین تعامل نزدیک با شرکت ها، نهادهای دولتی و دیگر سازمان های محلی دارد)؛ هنجار استقلال (دانشگاه کارآفرین نهادی وابسته به دیگر نهادها نیست)؛ هنجار ترکیبی (تحقق همزمان صفت وابستگی متقابل و استقلال، خلق ساختار